

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کانون مطالعات سیاسی افغانستان

۱۳ دسمبر ۲۰۱۸

فروکش خیزشهای اعتراضی و صلح خواهی شمال افغانستان و درسهای حاصله از آن

۳

4 - عوامل خارجی

کشورهای غربی به رهبری امریکا:

اهمیت بزرگ ستراتیژیک و جیوپولیتیک افغانستان برای غربیها نه تنها در آنست که با استفاده از موقعیت افغانستان، فدراسیون روسیه، چین و ایران را در محاصره اقتصادی و نظامی قرار دهند، بلکه موضوع تسلط و کنترل راههای تجارتی افغانستان که آسیای میانه را به آسیای جنوبی وصل می نماید و همچنان نفت و گاز حوزه قفقاز و بحیره خزر را زیر کنترل داشته باشند. از اینرو امریکا و کشورهای غربی در صدد آنند تا در کابل رژیم را مستقر سازند که بتوانند توسط آن از یک سو راههای خویش را جهت دستیابی به مواد خام هموار نمایند و از طرف دیگر بازارهای فروش را تصاحب کنند. نصب جنگسالاران و بنیاد گرایان در مقامات دولتی و همکاری بیدریغ امریکا با آن اشخاص و احزابی که در تباهی افغانستان نقش عمده داشته اند و سرانجام آوردن این جنایتکاران در پارلمان و سنای افغانستان، جلوه هائیت از همین سیاست امریکا که موافق به سیاست پاکستان و مغایر با منافع ملی مردم افغانستان است. امریکا می خواهد با اتکاء به جنگسالاران و اشخاص خود فروخته پلانهای خود را بهتر عملی کند. بخشی از پلانهای امریکا در آسیای میانه طوری تمرکز یافته که سلطه فعلی روسیه را در هم شکند و چین، هند و ایران را نگذارد که در رقابت با امریکا با روسیه همکاری نمایند و یا به تعبیر دیگر جنگ را به کشورهای پیمان شانگهای بکشانند. در یک کلام نقش کشورهای غربی در اینست تا جنگ، فقر و بی ثباتی را در افغانستان پا برجا نگه دارند و از ایجاد یک جنبش عدالتخواه و مترقی جلوگیری نمایند. از اینرو در پی آنند تا مظاهر هر نوع بیداری و وحدت ملی و خیزشهای اعتراضی و صلح خواهی را در نطفه خفه نمایند.

فدراسیون روسیه:

فدراسیون روسیه در صدد آنست که توسط مزدوران خود از خطر نفوذ اسلام سیاسی در کشورهای آسیای میانه استفاده ابزاری نماید. ازین سبب "جنبش ملی دوستم" و "جمعیت اسلامی" را که ظرفیت غیر قابل تصویری در

فریبکاری و نیرنگ دارند، از سالها تقویت نموده و اینک گروهی از طالبان را به کمک طلبیده و در پی آنست که امریکا و ناتو را در افغانستان زمینگیر نموده، جنگ را طولانی بگرداند و از طرفی هم انتقام کمکهای امریکا را که در زمان تجاوز شوروی به افغانستان کرده بود، جبران نماید. از جانب دیگر فدراسیون روسیه قصد آن دارد که با تأمین آرامش در کشورهای آسیای میانه، از منابع عظیم طبیعی این کشورها سود ببرد. به این ترتیب نمایان می گردد که روسیه برای ازدیاد نفوذ سیاسی خویش گماشتگان و دست پروردگان قدیم یعنی "حزب دیموکراتیک خلق افغانستان" و گویا دوستان جدید شان یعنی طالبان را تقویت می کند تا بر اوضاع سیاسی، نظامی و اقتصادی افغانستان تأثیر بگذارد. این گماشتگان و مزدوران فدراسیون روسیه در افغانستان کارنامه های بسیار ننگینی از جنگ و جنایت های ضدبشری را دارند که صلیحی در آن پدیدار نیست.

چین:

در منازعه افغانستان چین به فکر تثبیت منافع اقتصادی و مسأله امنیت سیاسی خویش می باشد. از جانب دیگر چین در صدد آنست، که منابع انرژی آسیای مرکزی را به تنهایی ببلعد و رقیب بزرگ منطقه ئی خویش، یعنی امریکا را از این طعمه بی نصیب سازد. به خصوص که تا سال ۲۰۵۰ بیشتر از ۸۰ درصد نفت مورد ضرورت چین از آسیای میانه تأمین خواهد شد. در رابطه با امنیت سیاسی، چین به خاطر آن نگران است که اوضاع افغانستان می تواند جنبش جدائی طلبان مذهبی، من جمله ترکمنها و اویغورها را در آن کشور تقویت کرده و مسأله حمل و نقل امتعه تجارتي را به چین به مشکل مواجه گرداند. از اینرو چین می خواهد با همکاری پاکستان، طالبان را در ترکیب دولت دست نشانده افغانستان شریک سازد. تجارب تلخ تاریخی نشان می دهند که در زمان جنگ ضد تجاوز شوروی سابق، چین احزاب مقیم پاکستان و از جمله بدترین آن، یعنی حزب اسلامی گلبدین را از طریق دولت پاکستان کمک فراوانی نمود. چین همین حالا مددگار دولت دست نشانده "غنی و عبدالله" بوده، با طالبان که افکار قرون وسطائی دارند، روابط بسیار دوستانه دارد. از اینرو توقع قطع جنگ و اسقرار صلح از جانب چین جز خیالی بیش نیست.

پاکستان:

پاکستان در پاداش خوش خدمتی به امریکا، تحقق اهداف عمده ذیل را آرزو می نماید. اول: در افغانستان اداره ای به وجود آید که پاکستان در آن نقش مؤثر داشته باشد و از نزدیکی با هند بپرهیزد. دوم: مشکل سرحدی با پاکستان را از طریق به رسمیت شناختن خط دیورند حل کند. سوم: به منابع جدید نفت و گاز و برق آسیای میانه دسترسی پیدا کند. لذا منافع دولت پاکستان در آنست، که در افغانستان رژیم به وجود آید که زیر تأثیر دولت پاکستان باشد، تا بدینوسیله بتواند از راههای تجارتي استفاده اعظمی نماید. به همین دلیل است که پاکستان احزاب اسلامی را به وجود آورد، تا در افغانستان ازین طریق حاکمیت پیدا کند. لذا پاکستان طرفدار آن نیست که در افغانستان دولت ملی و مقتدری به وجود آید تا بتواند بر فعل و انفعالات سیاسی در منطقه تأثیر بگذارد. به همین سبب است که پاکستان هواخواه دولت مودل طالبان است تا بتواند از یک طرف جلو پیشرویهای گماشتگان روسیه را بگیرد و از جانب دیگر پیشروی های هند را در افغانستان سد گردد. از اینرو پاکستان به مرکز تربیه و تجهیز افراطیون مذهبی افغانستان، پاکستان، کشمیر، آسیای میانه، شرق میانه و کشورهای عرب تبدیل گردیده است. کادرها و رهبران سازمانهای افراطی از جمله القاعده، طالبان و حتی داعش در پاکستان تربیه شده و در جنگ افغانستان عملاً شرکت کرده و آبدیده شده اند. با انتخابات پارلمانی پاکستان در جولای ۲۰۱۸ عمران خان رئیس حزب تحریک انصاف پاکستان که از پشتیبانی کامل ارتش پاکستان

برخوردار بود، برنده انتخابات اخیر شد. او قبلاً از جنگ طالبان در افغانستان حمایت کرده و صدها مدرسه دینی را تمویل نموده که فارغان آن در جنگ افغانستان گماشته شدند. پاکستان در چهار دهه پسین در سیاست خارجی اش به افغانستان از عمق منافع ستراتیژیک خود دیده و همواره تلاش دارد همراه با متجاوزان غربی، در افغانستان دولت های وابسته و مزدور را بر سر قدرت داشته باشد تا از منابع معدنی و راه های ترانزیتی استفاده برده و مانع اعمار بندها در مسیر آب دریا های افغانستان گردد. لذا پاکستان برای ادامه جنگ در افغانستان تقلا بیشتر خواهد کرد.

عربستان سعودی:

عربستان سعودی مثل ایران از طریق پشتیبانی عمال خویش در افغانستان یک جنگ نیابتی را که به خاطر احراز قدرت رهبری در جهان اسلام است، به پیش می برد. در راستای این اهداف، مداخلات عربستان سعودی در افغانستان اگر از یک طرف جزء برنامه گسترش نفوذش به سمت شمال است، از طرف دیگر جلو گسترش نفوذ ایران را در افغانستان بگیرد، چون ایران بزرگترین و مهمترین رقیب اصلی آن در منطقه است. جنگ نیابتی ایران و عربستان سعودی در افغانستان از خونین ترین صفحات دوران حاکمیت فاجعه بار تنظیم های جهادی می باشد. درگیری های خونین کابل میان احزاب تحت حمایت سعودی ها چون اتحاد اسلامی سیاف و جمعیت اسلامی ربانی از یک طرف و احزاب وابسته به ایران مثل حزب وحدت اسلامی از طرف دیگر در حافظه خوانندگان گرامی خواهد بود. همچنان در دوران طالبان قتل عام و نسل کشی غرjestانی ها (هزاره ها)، قتل عام مردم شمالی و ازبیکها به دست طالبان بخشی از این سیاست است. در جنگ های کابل و غرjestان و کشتار طالبان به دست حزب جمعیت اسلامی، جنبش اسلامی و حزب وحدت در مزار شریف به عنوان مشت نمونه خروار ذکر می شوند. عربستان سعودی از تنظیم های جهادی مقیم پاکستان از دوران مقاومت گرفته تا وهابیه های وابسته عربستان سعودی (مانند سیاف و مولوی حسین کز) و طالبان و حتی دوستم استفاده کرده است، چنان که دوستم را چند سال قبل به مکه دعوت کرد تا وی را در جهت سیاست خویش به کار گیرد. عربستان سعودی اولین کشوری بود که رژیم منفور طالبان را به رسمیت شناخت و پولهای گزافی را در اختیار آنها گذاشت. هزاران جوان افغان از افغانستان به جنگ نیابتی یمن به عربستان سعودی اعزام می شوند، ولی دولت مزدور افغانستان سکوت می کند. منبع موثق اطلاعاتی در اداره امنیت ملی افغانستان می گوید که هزاران تن از ولایت های ننگرهار، خوست، کنر و دیگر ولایات جنوبی توسط ملایان تحت حمایت عربستان، در افغانستان ثبت نام و به جنگ یمن و سوریه فرستاده می شوند. اما به دلایل حمایت افغانستان از عربستان سعودی این موضوع هرگز رسانه ئی نشد.

در بیستم جنوری سال ۲۰۱۶ میلادی بی بی سی در گزارشی از اعزام افغانها به جنگ نیابتی یمن خبر داد. در گزارش بی بی سی که با یک تن از افرادی که هفت عضو خانواده اش به یمن برای جنگ با حوثی ها رفته بود، مصاحبه شده بود. وی در مصاحبه خویش می گوید که "قبله مسلمانان در عربستان با خطر مواجه شده است". تنها از قریه محل زندگی شان بیش از ۵۰ نفر برای جنگ به یمن رفته اند. رئیس شورای عالی سیاسی یمن "صالح الصماد" در مصاحبه با رسانه های عربی گفت: "ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی مرحله جدیدی را با فراخواندن افغانها و پاکستانیها شروع کرده است که ما هم باید مرحله جدیدی را با شروع سال چهارم جنگ آغاز کنیم". این در حالیست که در ۲۹ ماه دلو ۱۳۹۶ محمد حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی در جریان سفر خود به عربستان سعودی با محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی و مسئولین اداره استخبارات عربستان سعودی دیدار کرد و روی برخی مسایل مهمی که اعلان نشده به توافق رسیدند.

قادرشاه، سخنگوی مشاور شورای امنیت ملی، گفته بود که در این دیدار در مورد گسترش همکاریهای اطلاعاتی میان دو کشور، مبارزه مشترک علیه تروریسم و پروسه صلح افغانستان بحث شد. این سفر در زمانی صورت گرفت که یک هفته قبل آن عبدالرب رسول سیاف رهبر حزب اتحاد اسلامی که یکی از قوماندانان گران نسل کشی و قتل عام افشار و جنگهای دهه ۱۹۹۰ بود و یکی از موعظین وهابیت در افغانستان است، نیز در سفری به عربستان با شماری از مقامات این کشور ملاقات کرده بود. همچنان چندی پیش از آن، گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی به عربستان سفر کرد و با مقامات اطلاعاتی سعودی دیدار داشت. قابل یادآوریست که گلبدین حکمتیار پیش از این که به پروسه به اصطلاح صلح دولت دست نشانده ببیوندد، با ابوبکر البغدادی بیعت کرده بود و صدها تن از جنگجویانش را برای حمایت از داعش در سوریه و عراق برای جنگ فرستاده بود.



حنیف اتمر با محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی و افغانها در جنگ یمن

نیویارک تایمز هسته اصلی و تشکیل دهنده این گروه جنگجویان افغان را نیروهای دانسته که قبلاً از طرف سعودیها در جنگ داخلی افغانستان جنگیده اند و بعدها همین نیروها در قالب طالبان و حزب اسلامی حکمتیار به فعالیت های تروریستی خود ادامه داده اند. آژانس خبررسانی اسپوتنیک روسیه، در راپوری از اعزام صدها تن از نیروهای سابق القاعده و حزب اسلامی حکمتیار توسط سعودیها برای جنگ در یمن خبر داده بود. حالا عربستان سعودی با دو رویی و به خاطر فریب مردم از یک جانب جنگ را در افغانستان بنا بر فتوای دین شناسان حرام می داند و از جانب دیگر از پروسه اشتراک طالبان در قدرت حمایت می نماید. بنابراین عربستان سعودی با این سیاست مصروف شراندازی و نفاق مداوم است و خواهان استمرار جنگ می باشد.

ادامه دارد